



گاج

پیشرفتن

فرمول

پایه

فارسی موضوعی دوازدهم

مؤلف: سید محمد موسوی

دستیار مؤلف: سرور فلاحی نژاد

۲۶۰۰

پرسش تألیفی و امتحانی

۲۰۰

صفحه در سنانه موضوعی

بخش پنجم

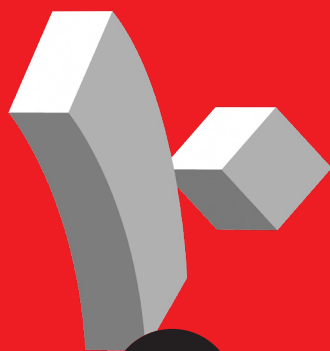


ضمیمه

پاسخ‌های تشریحی سؤالات
پاسخ کارگاه‌های متن پژوهی
۵ نمونه امتحان نهایی



بخش چهارم



نمره

۸ نمره معنی و مفهوم شعر و نثر
قلمرو فکری

۱ نمره تاریخ ادبیات
۱ نمره حفظ شعر
قلمرو ادبی



بخش سوم



نمره

۱ نمره معنی واژه
۲ نمره املاي واژه
قلمرو زبانی



دوست عزیز!

آنچه ما را به نگارش این اثر واداشت، دو چیز بود: نخست، اهمیت ضریب بالای فارسی دوازدهم (۱۸/۶۴) در امتحانات نهایی و تأثیر بیش از اندازه آن در جابه‌جایی رتبه داوطلبان کنکوری [قطعاً به گوش شما هم رسیده که در کنکور ۱۴۰۲ تعدادی از نفرات برتر، براساس نمرات نهایی جابه‌جایی شده‌اند!!] و دیگر، اثربخشی فرایند آموزش به منظور مرتفع کردن دغدغه و نگرانی دانش‌آموزان عزیز در چگونگی مطالعه دقیق و هدفمند و اخذ بالاترین نمره در این درس.

اثری که پیش روی شماست، یکی از نخستین آثار آموزشی کشور است که با رویکرد «فارسی آموزی بر اساس موضوع» ارائه شده است تا دانش‌آموزان عزیز از سردرگمی برای مطالعه این درس رها شده، بتوانند با شیوه‌ای درست و منطقی به نمره دلخواه خود دست یابند.

این کتاب درکلی‌ترین تقسیم‌بندی خود، به ترتیب شامل پنج بخش است: ۱) دستور زبان فارسی (۴ نمره) ۲) آرایه‌های ادبی (۳ نمره) ۳) معنی و املا (۳ نمره) ۴) معنی و مفهوم شعر و نثر، تاریخ ادبیات و حفظ شعر (۱۰ نمره) ۵) پاسخ تشریحی کارگاه‌های متن پژوهی و آزمون‌های نهایی.

دلیل ما برای این نوع تقسیم‌بندی این بود که مباحثی چون «معنی واژه، املا، معنی و مفهوم شعر و نثر، تاریخ ادبیات و حفظ شعر» مربوط به حیطه دانشی و از مقوله حفظیات‌اند، لذا دانش‌آموزان عزیز می‌توانند با تکیه بر محفوظات خود به پرسش‌های این مباحث پاسخ دهند؛ اما بخش «دستور زبان و آرایه‌های ادبی» کاربردی، شناختی و مبتنی بر یادگیری‌اند و اغلب دانش‌آموزان در این دو مبحث به‌ویژه دستور زبان با چالش مواجهند. از این رو تصمیم گرفتیم کتاب را با مبحث دستور آغاز کنیم و با بیان مفصل موضوعات دستوری و نکته‌های راهبردی همراه با مثال‌های متعدد، تلاش کردیم این بخش را با زبانی ساده و روان برای دانش‌آموزان عزیز تبیین نماییم، به‌گونه‌ای که بتوانند به راحتی با این بخش را کسب کنند. اما در بخش دوم چون امکان ارائه درس به درس آرایه‌های ادبی وجود نداشت، این مبحث را به صورت بسته‌ای و با رعایت تقدّم و تأخّر آرایه‌های علم بیان، بدیع معنوی و بدیع لفظی تقسیم‌بندی کرده و ضمن ارائه سؤالات هر آرایه به صورت تکی، بخش دیگری با عنوان آرایه‌های ترکیبی ترتیب داده‌ایم تا دانش‌آموزان با تیب‌بندی رایج سؤالات این مبحث به‌خوبی آشنا شوند و از عهده پاسخ‌دهی برآیند. در بخش معنی و املا، واژه، با ارائه دسته‌بندی دقیق از واژگان کتاب درسی و پرداختن به روابط واژگان و واژگان هم‌آوا در بخش املا، نیاز دانش‌آموزان را در این دو موضوع به‌خوبی مرتفع ساخته، امکان دست‌یابی به باارم این دو مبحث را برایشان ساده کرده‌ایم.

در بخش معنی و مفهوم و درک مطلب، علاوه بر آوردن معنا و مفهوم ابیات و عبارات متن اصلی درس‌ها، ابیات و عبارات کارگاه‌های متن پژوهی را نیز مدنظر قرار داده‌ایم. همچنین به منظور شناسایی نقش دستوری واژگان در ابیات و بازگردانی آن‌ها از شیوه بلاغی به عادی، «ترتیب ارکان دستوری» را در زیر هر بیت آورده‌ایم؛ کاری که کمتر کتابی به آن پرداخته یا اصلاً توجهی به این مورد نداشته است!

در بخش تاریخ ادبیات، روایت هر درس را برای دانش‌آموزان بیان کرده‌ایم تا چشم‌اندازی از کلیت درس داشته باشند. علاوه بر آن، نام آثار مذکور در کتاب درسی و پدیدآورندگان آن‌ها را در قالب جدولی ارائه کرده‌ایم تا دانش‌آموزان برای شب امتحان، در یک نگاه بتوانند آن‌ها را به حافظه بسپارند و به راحتی باارم یک نمره‌ای این مبحث را کسب کنند.

در پایان نیز مبحث حفظ شعر را با آوردن چهار شعرخوانی کتاب درسی و طراحی سؤالات متنوع ارائه کرده‌ایم تا دانش‌آموزان عزیز با انواع تیپ سؤالات این بخش آشنا شوند و با تکیه بر محفوظات خود از پاسخ‌دهی به سؤالات این بخش درنمانند.

در بخش پنجم کتاب، پاسخ پرسش‌های کارگاه‌های متن پژوهی آورده شده تا اگر پرسشی عیناً در امتحان نهایی آمد، دانش‌آموزان پاسخ آن را دیده باشند و بتوانند به راحتی از عهده پاسخ‌گویی برآیند.

دستور زبان

قلمرو زبانی

تمام دروس کتاب
به جز درس های آزاد

۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳

بخش اول
۴ نمره



درس ۱ انواع حذف / ضمائر متصل / جهش ضمیر

حذف و انواع آن

- مثال ۱** کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکنند و سر خویش گرفت [ند]. ← حذف شناسه «ند» به قرینه لفظی
- مثال ۲** کبوتران اضطرابی می کردند و هر یک خود را می کوشید [ند]. ← حذف شناسه «ند» به قرینه لفظی

حذف به قرینه معنایی

اگر جزء یا اجزای حذف شده در جای دیگری از جمله بیان نشده باشد و خواننده یا شنونده از مفهوم، سبک و سیاق سخن به بخش حذف شده پی ببرد، حذف به قرینه معنایی صورت گرفته است.

به عبارت ساده تر مشابه مورد حذف شده در خود جمله یا جمله های قبل و بعد وجود ندارد.

موارد حذف به قرینه معنوی (معنایی)

۱ آغاز کردن کلام

- مثال ۱** به نام کردگار هفت افلاک [آغاز می کنم]
- که پیدا کرد آدم از کفی خاک
- مثال ۲** به نام نقش بند صفحه خاک
- عذار افروز مه رویان افلاک [آغاز می کنم]

۲ حذف فعل کمکی (مُعین)

- مثال** باران رحمت بی حسابش همه را رسیده [است] و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده [است]. ← حذف فعل کمکی «است» به قرینه معنوی

۳ حذف فعل اسنادی یا غیراسنادی در پایان جمله ها

- مثال ۱** آیینۀ نگاهت پیوند صبح و ساحل [است]
- لبخند گاه گاهت صبح ستاره باران [است]
- مثال ۲** از سیم به سر یکی گله خود [داری]
- ز آهن به میان یکی کمر بند [داری]

نکته یکی از راه های تشخیص فعل های محذوف توجه به حروف ربط وابسته ساز به ویژه «که» است. حتماً باید فعل و جمله ای در کار باشد تا حرف ربطی امکان حضور پیدا کند.

هر یک از اجزای کلام، در صورت وجود قرینه، می تواند حذف شود.

به عبارت دیگر گاهی در جمله یک یا چند نقش به قرینه لفظی یا معنوی حذف می شود.

انواع حذف

- ۱ حذف به قرینه لفظی ۲ حذف به قرینه معنایی

حذف به قرینه لفظی

اگر حذف به منظور **جلوگیری از تکرار** صورت گیرد، آن را حذف به قرینه لفظی می گویند. در حذف به قرینه لفظی، واژه یا واژه های محذوف پیش یا پس از جمله مورد نظر آمده است.

به عبارت ساده تر مشابه واژه حذف شده در خود جمله یا جمله های قبل و بعد وجود دارد.

موارد حذف به قرینه لفظی

۱ حذف نهاد جدا به قرینه شناسه

نهاد جدای اول شخص و دوم شخص (من، تو || ما، شما) را می توان به قرینه شناسه فعل (نهاد پیوسته) از جمله یا بیت حذف کرد.

مثال [من] سینه خواهم شرحه شرحه از فراق ← حذف نهاد جدای «من» به قرینه شناسه «م» در فعل «خواهم»

۲ حذف فعل یا جزئی از فعل (فعل های کمکی)

مثال ۱ پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب [است]. ← حذف فعل «است» به قرینه لفظی

مثال ۲ یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده [بود]. ← حذف فعل کمکی «بود» به قرینه لفظی

۳ حذف جمله در جملات مرکب

مثال ۱ بنا شد یک روز یک دسته بیابند و بخورند و فردای آن روز دسته ای دیگر [بیابند و بخورند].

مثال ۲ هر چه سعی کردم فراموشش کنم، نتوانستم [فراموشش کنم].

۴ حذف جمله در جملات پرسشی

مثال آیا دماوند بلندترین قله ایران است؟ بله! [دماوند بلندترین قله ایران است].

۵ حذف شناسه

یکی از ویژگی های سبکی در دستور تاریخی، حذف شناسه به قرینه لفظی است.

مثال ساربان، بار من افتاد، خدا را [تورا به خدا سوگند می‌دهم] مددی [کن] که امید کرمم هم‌ره این محمل کرد
حرف ربط

پیش از حرف ربط «که» فعل «کن» به قرینه معنایی حذف شده است. همچنین با توجه به معنای بیت درمی‌یابیم که «خدا را» برای بیان سوگند به‌کار رفته و فعل «سوگندت می‌دهم» نیز به قرینه معنایی حذف شده است؛ بنابراین بیت، پنج جمله دارد. (ساربان منادا است و پس از آن فعل «با تو هستم» به قرینه معنایی حذف شده است.)

۴ حذف فعل اسنادی بعد از واژه‌های «به» (بِهتر)، بیش (بیشتر)، مهتر و ...»

مثال ۱ بنده همان به (= بهتر) [است] که ز تقصیر خویش
عذر بده درگاه خدای آورد

مثال ۲ نه هر که به قامت مهتر [است] به قیمت بهتر [است].

مثال ۳ هر که بامش بیش [باشد] برفش بیشتر [است].

احتمال حذف بعد از صفت‌های تفضیلی زیاد است.

۵ حذف فعل در جمله‌هایی که برای بیان «تعارف، دعا و نفرین» به‌کار می‌روند:

مثال ۱ ای لعنت [باد / باشد] بردهانی که بی‌موقع باز شود.

مثال ۲ عیدتان مبارک [باد / باشد]

مثال ۳ درود بر شما [باد / باشد]

۶ حذف فعل در جمله‌هایی که برای بیان «سوگند خوردن، افسوس خوردن و شکرگویی» به‌کار می‌روند:

مثال ۱ به چشم‌های تو [سوگند می‌خورم] دانم که تا ز چشم برفتی
به چشم عشق و ارادت نظر به هیچ نکردم

مثال ۲ در شمار آنچه نی‌آورد کسی حافظ را

شکر [می‌کنم / می‌گویم] کان محنت بی‌حد و شمار آخر شد

مثال ۳ چشمی که جمال تو ندیده ست چه دیده ست
افسوس [می‌خورم / باید خورد] بر اینان که به غفلت گذرانند

۷ حذف فعل بعد از منادا

مثال ای مرغ سحر! [با تو هستم] عشق ز پروانه بیاموز
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

نکته دلیل اینکه منادا را یک جمله به‌شمار می‌آوریم این است که پس از آن فعلی نظیر «با تو هستم» یا «به من گوش کن» وجود دارد که در اغلب موارد محذوف است و به قرینه معنایی به آن پی می‌بریم. حال اگر در بیت یا عبارتی، پیش یا پس از منادا فعل «گوش کن» یا «با تو هستم (با توام)» وجود داشته باشد، دیگر حذف فعل نداریم.

مثال گوش کن حضرت معشوقه آزرده من
جمله

گوش کن حرف من امروز شنیدن دارد

۸ حذف فعل در جمله‌های پرسشی

مثال چه غم [است] دیوار اُمت را که دارد چون تو پشتیبان؟

چه باک [است] از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟

نکته حذف فعل در جمله‌های پرسشی همیشه از نوع حذف به قرینه معنایی نیست بلکه گاهی فعل حذف شده در این دسته از جمله‌ها به قرینه لفظی محذوف است.

مثال بگفتا: هر شبش بینی چو مهتاب؟

بگفت: آری، چو خواب آید، کجا خواب [آید]

حذف به قرینه لفظی

۹ حذف منادا

مثال ۱ ای [کسی که] کعبه ز داغ ماتمت نیلی پوش ...

مثال ۲ ای [کسی که] مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران ...

زنگ
که می‌دونستی!

فراموش نکنید که حذف (چه لفظی و چه معنوی) لزوماً مختص فعل نیست!! بقیه نقش‌های دستوری هم می‌توانند حذف شوند؛ مثال:

«ورنه سزاوار خداوندی‌اش
کس نتواند که [شکر] به جای آورد»
مفعول

ایستگاه سؤال

۱. در هریک از ابیات زیر، نوع حذف (قرینه لفظی / قرینه معنایی) را مشخص کنید
شهریور ۱۴۰۲

الف) کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است و او شرمسار
ب) ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز / کاین گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران

۲. در کدام گزینه، حذف به «قرینه معنایی» صورت پذیرفته است؟
خرداد ۱۴۰۲

۱) عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفد.
۲) پادشه را کرم باید تا براو گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند.

۳) گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانم به جانت سوگند
۴) گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم / گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست

پاسخ سؤال

۱. الف) لفظی / ب) معنایی
۲. گزینه «۲»؛ حذف فعل «باید = لازم است» بعد از واژه «رحمت» به قرینه لفظی.

ضمایر متصل و نقش های آن ها

انواع ضمایر شخصی

ضمایر شخصی به دو دسته تقسیم می شوند:

- ۱ **ضمایر شخصی منفصل (جدا):** [من، تو، او || ما، شما، آن ها (ایشان)]
- ۲ **ضمایر شخصی متصل (پیوسته):** [کَم، تَ، شَ || مَن، مَن، تان، شان]

نقش ضمایر متصل دقیقاً مثل اسم هاست؛ یعنی در نقش های نهاد، مفعول و متمم ظاهر می شوند.

مثال ۱ **او** خندید.
نهاد

مثال ۲ **او** را دیدم.
مفعول

مثال ۳ **از او** رنجیدم.
متمم

اما یافتن نقش ضمایر متصل نیاز به دقت بیشتری دارد؛ زیرا معمولاً **بدون نشانه** به کار می روند و باید برای پیدا کردن نقش آن ها جمله را مرتب و سپس به معنا و مفهوم آن توجه کنیم.

ضمایر شخصی متصل (پیوسته) در سه نقش دستوری ظاهر می شوند: **مفعول، متمم و مضاف الیه.**

۱ مفعول

اگر شکل جدای ضمیر پیوسته، در ساختار عادی جمله (به هنگام معنی کردن) در جواب «**چه کسی را؟ / چه چیزی را؟**» قرار بگیرد، نقش دستوری آن **مفعول** است.

مثال ۱ همّت «حافظ» و آنفاس سحرخیزان بود که ز بند غم ایام **نجات**م دادند

• ... که از بند غم ایام **من** را نجات دادند ← (چه کسی را نجات دادند؟ **من** را ← مفعول)

مثال ۲ ورایدون که زمین کار هستم گناه جهان آفرین **م** ندارد نگاه

• ... جهان آفرین **من** را نگاه ندارد ← (چه کسی را نگاه ندارد؟ **من** را ← مفعول)

مثال ۳ خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد آن گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی

• ... خواب و خور **تو** را از مرتبه خویش دور کرد ← (چه کسی را دور کرد؟ **تو** را ← مفعول)

مثال ۴ گفتم بینم **ش** مگرم درد اشتیاق ساکن شود، بدیدم و مشتاق تر شدم

- ... گفتم: **او** را بینم مگر درد اشتیاق من ساکن شود... ← (چه کسی را بینم؟ **او** را ← مفعول) / «م» در مگرم در واقع مربوط به کلمه «اشتیاق» است که جهش پیدا کرده است (درد اشتیاق من ← مضاف الیه)

۲ متمم

اگر شکل جدای ضمیر پیوسته در معنای جمله بعد از حروف اضافه (از - به - برای و ...) قرار بگیرد، نقش دستوری آن **متمم** است.

مثال ۱ نخستین بار **گفتیش** کز کجایی؟

بگفت از دار ملک آشنایی
• نخستین بار **به او** گفت ← متمم

مثال ۲ بعد از این وادی توحید **آیدت**

منزل تفرید و تجرید **آیدت**
• بعد از این، وادی توحید برای **تو** می آید ← متمم

مثال ۳ بوی تو می شنیدم و بریاد روی تو

دادند ساقیان طرب یک دو ساغرم
• ... ساقیان طرب یک دو ساغره **به من** دادند ← متمم

۳ مضاف الیه

اگر شکل جدای ضمیر پیوسته در معنای جمله، بعد از کسره اضافه (ـ) قرار بگیرد، نقش دستوری آن **مضاف الیه** است.

مثال ۱ این مدعیان در طلب **ش** بی خبرانند

کان را که خبر شد، خبری باز نیامد
• این مدعیان در طلب **او** بی خبرانند ← مضاف الیه

مثال ۲ گر نور عشق حق به دل و جان **ت** اوفتد

بالله کز آفتاب فلک خوب تر شوی
• اگر نور عشق حق به دل و جان **تو** اوفتد ← مضاف الیه

مثال ۳ **دلیم** را داغ عشقی بر جبین نه

زبان **م** را بیانی آتشی ده
• داغ عشقی بر جبین **دل من** بگذار ← مضاف الیه

• بیانی آتشی به زبان **من** بده ← مضاف الیه

برای تشخیص نقش ضمایر متصل، توجه به **فعل** ضروری است؛ زیرا افعال، تعیین کننده نقش و اجزای جمله هستند.

مثال گفتی به غمم بنشین یا از سر جان برخیز

فرمان برمت، جانا، بنشینم و برخیزم

با مرتب کردن بیت و معنی کردن آن درمی یابیم که «ت» در فعل «برمت» ضمیر متصل در نقش متمم است.

• جانا، فرمان برمت ← جانا، از تو فرمان می برم
متقم شناسه

مثال ای محتسب از کوی خرابات مرانم

بگذار که من معتکف این سرو کویم

• فعل «مران» گذرا به مفعول است. چه کسی را مران ← من را

نکته هنگامی که ضمیر متصل شخصی به فعل می چسبد، آن را با شناسه اشتباه نگیرید!

جهش ضمیر (پرش ضمیر - رقص ضمیر - جابه جایی ضمیر)

برای پیدا کردن جای اصلی ضمیر و تشخیص نقش دستوری آن، کافی است دو روش زیر را امتحان کنید:

۱. چسباندن ضمیر به فعل جمله و بررسی معنا

مثال ترسم ای دوست که بادی برد ناگاهم
مفعول

← ای دوست می ترسم که ناگاه بادی من را برد.

۲. چسباندن ضمیر به تک تک واژه‌ها (به جز حروف) و بررسی معنا

مثال بسته‌ام در خم گیسوی تو امید دراز

آن مبدا که کند دست طلب کوتاهم

حالا بیایید جای اصلی ضمیر «م» را در بیت بالا مشخص کنیم:

الف) آن مبدا که دست طلب [را] کوتاه کندم؟

ب) آن مبدا که دست طلبم [را] کوتاه کند؟

پ) آن مبدا که دستم طلب [را] کوتاه کند؟

مطمئناً حالت (ب) را ترجیح می دهید.

نگو که می‌دونستی!

نکته در جهش ضمیر، معمولاً ضمیر به حروف ربطی مانند «که»

یا «اگر» متصل می شوند؛ اما گاه به قیدهای مختص مانند «هرگز و

هیچ» و گاه به برخی صفات پیشین مانند «این، آن، چند و دیگر»

نیز متصل می شوند.

مثال ۱ در ازل بود که پیمان محبت بستند

نشکند مرد اگرش سرپرود پیمان را

مضاف‌الیه

مثال ۲ خنک آن قماربازی که بباخت هر چه بودش

بنماند هیچیش آلا هوس قمار دیگر

متقم (برای او نماند)

مثال ۳ چندم فتاده بینی و گویی که کیست این

مفعول

بیمار تو، شکسته تو، دردمند تو

ضمایر شخصی پیوسته (م، ت، ش || مان، تان، شان) که در سه نقش مفعول، مضاف‌الیه و متمم به کار می روند، گاهی در شعر فارسی بنا به ضرورت وزنی جابه جا می شوند و به واژه‌ای می چسبند که هیچ ارتباطی با آن ندارند؛ به این جابه جایی ضمیر، **جهش ضمیر** می گویند.

مثال ۱ گرم از دست برخیزد که با دلدار بنشینم

مضاف‌الیه

ز جام وصل می نوشم، ز باغ عیش گل چینم

• اگر از دستم برخیزد که ...

مثال ۲ هزار دشمنم آر می کنند قصد هلاک

مضاف‌الیه

گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

مضاف‌الیه

• اگر هزار دشمن قصد هلاک کردن من کنند / اگر تو دوست من

[هستی] از دشمنان باک ندارم.

مثال ۳ بس که زهر زخم‌ها کاریش

مضاف‌الیه

بس که خونیش رفته بود از تن

مضاف‌الیه

• بس که زهر زخم‌هایش کاری [بود] / بس که خون از تنش رفته بود.

مثال ۴ همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس

مضاف‌الیه

که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

• ای طایر قدس! همت را بدرقه راه من کن

مثال ۵ با محتسبم عیب مگویند که او نیز

مضاف‌الیه

پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

• عیب من را به محتسب نگویند که ...

درس ۱ انواع حذف / ضمائر متصل / جهش ضمیر

در هر یک از ابیات و عبارات زیر، نوع حذف (قرینه لفظی / قرینه معنایی) را مشخص کنید.



- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵
- ۶
- ۷
- ۸
- ۹
- ۱۰
- ۱۱
- ۱۲
- ۱۳
- ۱۴
- ۱۵
- ۱۶
- ۱۷
- ۱۸
- ۱۹
- ۲۰
- ۲۱
- ۲۲
- ۲۳
- ۲۴
- ۲۵
- ۲۶
- ۲۷
- ۲۸
- ۲۹

۱۴۰۳ خرداد	امروز خورشید در دشت آینه‌دار من و تو
۱۴۰۲ شهریور	۱ کرم بیمن و لطف خداوندگار
۱۴۰۲ شهریور	۲ ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز
۱۴۰۳ و ۳ بار تکرار	۳ چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن؟
۱۴۰۲ اردیبهشت	۴ هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت
۱۴۰۱ دی	۵ آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل
۱۴۰۱ دی خارج	۶ قهوه‌خانه گرم و روشن بود، مرد نقال آتشین پیغام / راستی کانون گرمی بود
۱۴۰۱ شهریور	۷ زندگی، سخت آلوده است و انسان ماندن، سخت دشوار.
۱۴۰۱ شهریور	۸ تو نیز تیرانا! گشاده‌دستی و کرامت را از درختان میوه‌دار بیاموز.
۱۴۰۱ خرداد	۹ از سیم به سر یکی گله خود
۱۴۰۱ و ۹۹ خرداد خارج	۱۰ سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر تو زرافشانی می‌کند و ابر، گوهر.
۱۴۰۱ خرداد و ۲ بار تکرار	۱۱ از جمله نام‌های حُسن یکی «جمال» است و یکی «کمال».
۱۴۰۰ خرداد	۱۲ من بسیار کوشیده‌ام تا روی دست شاهان جا گرفته‌ام / برای آنان شکار کرده‌ام. آن به که مرا نیز معذور دارید.
۱۴۰۰ خرداد خارج	۱۳ دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو
۱۴۰۲ و ۲ بار تکرار	۱۴ بنده همان به که ز تقصیر خویش
۹۹ دی خارج	۱۵ دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ
۹۹ شهریور و ۹۸	۱۶ نان را، هوا را / روشنی را، بهار را / از من بگیر / اما خنده‌ات را هرگز
۹۹ شهریور خارج	۱۷ خلاصه آنکه از من همه اصرار بود و از مصطفی انکار و عاقبت کار به آنجایی کشید که مهمان‌ها همه با او هم‌صدا شدند.
۹۹ شهریور	۱۸ برف کوه هنوز آب نشده است. گل و گیاه، پشم گوسفندان را رنگین کرده است. نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با
۹۹ شهریور	۱۹ امیر ساسانی.
۹۹ خرداد خارج	۲۰ گفت: پادشه را کرم باید تا بر او گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند.
۹۹ خرداد	۲۱ همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار
۹۸ دی	۲۲ گـر آتـش دل نهفتـه داری
۹۸ خرداد	۲۳ در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.
۹۸ خرداد خارج	۲۴ تو از آن منی و من از آن تو.
۹۸ دی خارج	۲۵ همین که می‌خواهیم اولین مین را برداریم، ناگهان «خر» سرش را بالا می‌گیرد و با صدای بلند شروع به عرعر می‌کند، ای لعنت بر دهانی که بی‌موقع باز شود.
۱۴۰۳ - یازدهم فنی	۲۶ کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکنند و سر خویش گرفت و صیاد در پی ایشان ایستاد.

واژه حذف‌شده در مصراع نخست بیت‌های زیر را بنویسید و نوع حذف (قرینه لفظی / قرینه معنایی) را مشخص کنید.



۱۴۰۲ - دهم	۲۷ دو لشکر نظاره بر این جنگ ما
۱۴۰۱ دی	۲۸ آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل

گزینه درست را انتخاب کنید.



۱۴۰۲ خرداد	۲۹ در کدام گزینه، حذف به «قرینه معنایی» صورت پذیرفته است؟
	۱) عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفد.
	۲) پادشه را کرم باید تا بر او گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند.
	۳) گـر آتـش دل نهفتـه داری
	۴) گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم

در کدام یک از جمله‌های زیر حذف به قرینه معنایی وجود دارد؟

(۱) حرام از یک کف دست کاغذ و یک بند انگشت مداد که خسرو به مدرسه بیاورد.

(۲) هم‌نشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از هم‌نشین بد.

در کدام بیت، حذف فعل به قرینه معنوی صورت نگرفته است؟

(۱) چشمی که جمال تو ندیده ست چه دیده ست

(۲) به دوستی که ز دست تو ضربت شمشیر

(۳) بفرمود گنجینه گوه‌ش

(۴) یکی را که سعی قدم پیش تر

افسوس بر اینان که به غفلت گذرانند

چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول

فشاندند در پای و زر بر سرش

به درگاه حق منزلت بیش تر

نوع حذف (قرینه لفظی / معنایی) را در هر یک از موارد زیر مشخص کنید. (با ذکر واژه حذف شده)

گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیان؟

بگفت از دل شدی عاشق بدین سان؟

بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

بگو، من به جان مادرم از صبح تا شب توی این دشت، پاره آجر و سنگ و کلوخ به جای مین کار می‌گذارم!

پرده‌هایش پرده‌های ما درید

مردادمه و گاه دی‌اش نام نهادند

نشانده به هر پایه‌ای در گهر

... و سر می‌سپرد؛ نه به زور «حاضر و غایب»، بل به نیروی ارادت و کشش ایمان.

بشویم کنیم چاره دل‌گسل

که تا او کی آید ز آتش برون

نه دود و نه آتش، نه گرد و نه خاک

که مردن به از زندگانی به ننگ

و بنا شد روز دوم عید نوروز دسته اول و روز سوم، دسته دوم بیایند.

یا ماه، بی‌ملاحظه افتاده بین راه؟

نه گردد مرا دل، نه روشن روان

فدای نام تو بود و نبودم، میهن ای میهن!

آن‌گاه سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش و با شتاب تمام، خود را به مدرسه رساندم.

در آن سینه دلی، وان دل همه سوز

مرا لطف تو می‌باید، دگر هیچ

گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیان؟

بگفت از دل شدی عاشق بدین سان؟

جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن

نی حریف هر که از یاری بُرید

دل‌گرمی و دم‌سردی ما بود که گاهی

نهاده به طاق اندرون تخت زر

همان به کزین زشت‌کردار، دل

یکی دشت با دیدگان پر ز خون

چو پیش پدر شد سیاووش پاک

گریز از کفش در دهان نهنگ

خورشید، بی‌حفاظ نشسته به روی خاک؟

سرانجام گفت ایمن از هر دوان

تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی

آن‌گاه سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش و با شتاب تمام، خود را به مدرسه رساندم.

الهی! سینه‌ای ده آتش‌افروز

به راه این امید پیچ در پیچ

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

نقش دستوری ضمیرهای متصل را در بیت‌های زیر بنویسید.

الف) ای صبح‌دم، ببین که کجا می‌فرستمت

ب) گر در طلبت رنجی، ما را برسد شاید

نقش ضمیر متصل در مصراع «تا چشم بشر نبیندت روی» چیست؟

(۱) مفعول

نقش ضمیر متصل (پیوسته) را در جمله سوم عبارت «عشقم به این بود که حرفتان را بشنوم. الان هم دوستان دارم؛ بیشتر از

همیشه.» مشخص کنید.

نقش ضمیر «م» در واژه «برایم» با توجه به عبارت زیر چیست؟

«نامه را معلم کلاس سوم برایم نوشته بود؛ به یاد گذشته‌ها و خاطرات پاریز.»

۵۶

با توجه به عبارت «از ردّ صدای شما می‌بایست پیدایتان می‌کردم.»:

الف) نقش دستوری ضمیر پیوسته «تان»، متمم است یا مفعول؟

ب) مرجع ضمیر «تان»، «شما» است یا «صدا»؟

۵۷

با توجه به متن «حتی اگر من صدایتان نمی‌کردم، متوجه حضور من نمی‌شدید.»، نقش دستوری ضمیر پیوسته «تان» در واژه

«صدایتان» چیست؟

۵۸

نقش ضمیر پیوسته «تان» در عبارت «حرفتان را بشنوم، فرماتان را ببرم.» چیست؟

۵۹

نقش ضمیر پیوسته «م» را در بیت «ور آیدون که زین کار هستم گناه/ جهان آفرینم ندارد نگاه» بنویسید.

۶۰

نوع هر دو ضمیر آمده در عبارت زیر را بنویسید.

«آهسته به پشت سرتان رفتم تا بتوانم همچنان با شما باشم.»

۶۱

در بیت زیر، نقش دستوری ضمیر پیوسته «ش» را بنویسید.

چو بشنید خسرو از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت

۶۲

نقش دستوری ضمیر مشخص شده را در هر مصرع بنویسید.

الف) گفت آگه نیستی کز سر در افتاد کلاه

ب) که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار

←

نقش دستوری ضمیر مشخص شده را بنویسید.

۶۳

بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برد!

۶۴

ایزد تعالی در او نظر نکند بازش بخواند؛ باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.

۶۵

هیچ نقاشیت نمی‌بیند که نقشی برکشد

۶۶

با محتسبم عیب مگویند که او نیز

۶۷

وجه خدا اگر شود منظر منظر

۶۸

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس

۶۹

بعد از این وادع حیرت آیدت

←

گزینه درست را انتخاب کنید.

۷۰

نقش ضمیر پیوسته در کدام گزینه متفاوت است؟

۱) که دوستان اگر دل دهند، جان ندهند

۲) فرشته‌ات به دو دست دعا نگره دارد

۳) ز روی لطف بگویش که جا نگره دارد

۴) پیاده بیاموزمت کارزار

۷۱

در کدام بیت، ضمیر پیوسته «م» نقش مفعولی دارد؟

۱) مستم آنجا مبر ای یار که سرمستانند

۲) نه عجب شب درازم که دو دیده باز باشد

۳) هرگز این گمان نهد، با تو که دوستی کنم

۴) پیش از آنم که به دیوانگی انجامد کار

۷۲

نقش ضمیر پیوسته «م» در پایان واژه‌های قافیه، در کدام بیت متفاوت است؟

۱) همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود

۲) بی‌خود از شعشعه پرتو ذاتم کردند

۳) بعد از این روی من و آینه وصف جمال

۴) من اگر کامروا گشتم و خوشدل، چه عجب!

که ز بند غم ایام نجاتم دادند

باد از جام تجلی صفاتم دادند

که در آنجا خبر از جلوه ذاتم دادند

مستحق بودم و این‌ها به زکاتم دادند

دی ۱۴۰۰

خرداد ۱۴۰۰

خرداد ۱۴۰۰

خرداد ۱۴۰۰ خارج

خرداد ۹۹

دی ۹۷

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

آرایه‌های ادبی

قلمرو ادبی

- ۱ تشبیه / استعاره / مجاز / کنایه /
حسن آمیزی / حسن تعلیل / اسلوب معادله /
تضاد و متناقض‌نما / تلمیح و تضمین /
ایهام و ایهام تناسب / اغراق / مراعات نظیر /
تمثیل / واج‌آرایی و واژه‌آرایی / سجع و جناس
- ۲ آشنایی با چند اصطلاح ادبی و
زمینه‌های حماسه
- ۳ مفاهیم مربوط به شعر و قالب‌های
شعر فارسی

بخش دوم
۳ نمره

بسته ۱ تشبیه

انواع ادات تشبیه

- ۱ **واژه‌های:** «چون، همچون، چو، همچو، چونان، مثل، مانند، همانند، نظیر، عین، صورت، به سان، به کردار، به گونه، بر سان، به شکل، به منزله، به شیوه، به شکل، در حکم»
- ۲ **پسوندهای شباهت از قبیل:** «وار (دیوانه‌وار)، آسا (عقاب‌آسا)، سا (مهسا)، دیس (گلدیس)، وش (مهوش)، گون (نیلگون)، گونه (علی‌گونه)، فام (گل‌فام)»
- ۳ **واژه‌های:** «گفتی، گویی، گویا، گوییا، پنداری، انگار» (وقتی که در معنای «شباهت» به کار می‌روند.)
- ۴ **فعل‌های:** «ماند، مانستی، می‌ماند» (از مصدر «مانستن» به معنی «شبیه بودن»)

۱ «چون» و «چو» در صورتی «ادات تشبیه» محسوب می‌شوند که به‌عنوان «حرف اضافه» و در معنای «مثل و مانند» به کار روند؛ در غیر این صورت «ادات تشبیه» نخواهند بود.

به بیان دیگر اگر در معنای «وقتی که، زمانی که، اگر، زیرا که» به کار روند، **حرف ربط وابسته‌ساز** و اگر در معنای «چگونه، چطور، چرا» باشند، **قید پرسش یا کیفیت** هستند:

مثال ۱ «چه غم دیوار ائت را که دارد چون تو پشتیبان؟
مثل و مانند (ادات تشبیه)

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟»

مثال ۲ «از پای تا سرت همه نور خدا شود

در راه ذوالجلال **چو** بی‌پا و سر شوی
اگر (حرف ربط)

مثال ۳ «تو کی دانی که لیلی چون نکویی است
چگونه (قید)

کز چشم همین بر زلف و رویی است»

مثال ۴ «مرد حیران چون رسد این جایگاه
وقتی که (حرف ربط)

در تحیر مانده و گم کرده راه»

۲ به «مشبه» و «مشبه‌به»، **طرفین تشبیه** می‌گویند. در یک تشبیه، حضور طرفین تشبیه الزامی است؛ اما گاهی «مشبه» به قرینه لفظی حذف می‌شود که در این صورت، شناسه فعل «مشبه» است:

مثال «پریشان حال چون زلف بتانیم
مشبه (= من)

چو چشم مسست خوبان ناتوانیم
مشبه (= من)

نکو که می‌دانستی!

به ادعای همانندی میان دو یا چند چیز به سبب ویژگی مشترک **تشبیه** گفته می‌شود.

مثال ۱ «بلم آرام چون قویی سبک بار

به نرمی بر سر کارون همی رفت»

● شاعر در این بیت، در یک تصویر خیالی، «**بلم** (= قایق)» را به «**قویی**» سبک بار همانند کرده و با بیان ویژگی مشترک آن‌ها یعنی «**به نرمی رفتن بر روی آب**»، این شباهت را برای مخاطب محسوس‌تر و زیباتر جلوه داده است.

مثال ۲ «رها شد ز بند زره موی اوی

درفشان چو خورشید شد، روی اوی»

● فردوسی در این بیت، با همانند کردن «**روی**» گردآفرید به «**خورشید**»، به توصیف خیالی و اغراق‌آمیز «**درفشانی**» و زیبایی چهره او پرداخته است.

مثال ۳ «قامتم از خمیدگی صورت چنگ شد ولی

چنگ نمی‌توان زدن زلف خمیده تو را»

● شاعر در این بیت، «**قامت**» خود را در «**خمیدگی**» به آلت موسیقی «**چنگ**» تشبیه کرده است.

● دلیل اینکه می‌گوییم تشبیه **ادعای** همانندی بین دو چیز است، این است که آن دو چیز به ظاهر شبیه به هم نیستند و بین آن‌ها مشابهت نیست، بلکه این ما هستیم که این شباهت را ادعا و برقرار می‌کنیم.

به بیان دیگر تشبیه مانند کردن چیزی به چیز دیگر است، مشروط

بر اینکه این مانند کردن مبتنی بر کذب باشد نه حقیقت. بدین ترتیب

جمله «امیر مانند پدرش شجاع است.» تشبیه نیست چون مبتنی بر صدق (حقیقت) است.

ارکان تشبیه

۱ **مشبه:** چیزی یا کسی که قصد مانند کردن آن را داریم. مانند «**قامتم**» در مثال ۳

۲ **مشبه‌به:** چیزی یا کسی که مشبه را به آن، مانند می‌کنیم. مانند «**چنگ**» در مثال ۳

● **مشبه‌به معمولاً بعد از ادات تشبیه می‌آید.**

۳ **وجه شبه:** ویژگی یا صفت مشترک میان «مشبه» و «مشبه‌به» است. مانند «**خمیدگی**» در مثال ۳

● **وجه شبه غالباً در «مشبه‌به» پررنگ‌تر و آشکارتر است.**

۴ **ادات تشبیه:** واژه‌ای که نشان‌دهنده پیوند شباهت میان «مشبه» و «مشبه‌به» است. مانند «**صورت**» در مثال ۳

۱ تشبیه بلیغ اسنادی (غیراضافی)

در این نوع تشبیه، «مشبّه به» با یکی از فعل‌های اسنادی یا مخفّف آن‌ها به «مشبّه» اسناد داده می‌شود.

مثال ۱ «آتش است این بانگ نای و نیست باد»
مشبّه به فعل اسنادی / مشبّه
هر که این آتش ندارد نیست باد»

مثال ۲ «تو مشمت درشیت روزگاری»
مشبّه فعل اسنادی (= هستی) / مشبّه به
از گردش قرن‌ها، پس افکنند»

۲ تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی)

در این نوع تشبیه، یکی از طرفین تشبیه (مشبّه / مشبّه به) با کسرّه اضافه (ب) به دیگری اضافه می‌شود و یک ترکیب اضافی (مضاف + مضاف الیه) می‌سازد.

مثال ۱ «وادی عشق از گل شادی تهی باشد ولی»
مشبّه به مشبّه مشبّه به مشبّه
«خار محنت روید از صحرای محنت خیزاو»
مشبّه به مشبّه

مثال ۲ «وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند»
مشبّه به مشبّه
تا در زمانه باقی است آواز باد و باران»

ترکیب ارکان در اضافه تشبیهی

الف) مشبّه به + مشبّه

مثال لعل لب، شبنم عشق، آفتاب معرفت، چاهسار گوش، عطر الهام، نردبان محبت و ...

ب) مشبّه + مشبّه به

مثال لب لعل، قد سرو، گیس کمند و ...

روش تشخیص اضافه تشبیهی

برای تشخیص اضافه تشبیهی، ابتدا یکی از واژه‌های «مانند / مثل» را میان «مشبّه» و «مشبّه به» قرار می‌دهیم؛ سپس فعل «است» را به آخر جمله اضافه می‌کنیم. اگر معنای جمله درست و کامل باشد و رابطه شباهت برقرار شود، اضافه تشبیهی است.

مثال «آتش عشق است کاندر نی فتاد»
جوشش عشق است کاندر می فتاد»

● عشق مانند آتش است ← وجه شبه: سوزندگی و گرمابخشی

۳ در فعل‌هایی که شناسه حضور ندارد (∅ تهی است)، شناسه پنهان یا ضمیری را که به آن فعل برمی‌گردد، «مشبّه محذوفی» در نظر می‌گیریم؛ مانند برخی از فعل‌های سوم شخص مفرد ماضی و فعل‌های امر و نهی (صیغه مفرد و جمع).

مثال «آمد سوی کعبه، سینه پرجوش»
چون کعبه نهاد ∅ حلقه در گوش»
مشبّه (= او / مجنون)

۴ گاهی طرفین تشبیه (مشبّه و مشبّه به)، در قالب یک واژه (غیرساده (مرگب)) آشکار می‌شوند؛ به چنین تشبیهاتی، تشبیه «درون‌واژه‌ای» می‌گویند.

مثال «ای بهشتی رخ طوبی قد خورشید لقا»
رخ مانند بهشت قد مثل طوبی لقای مثل خورشید
بشنو این بیت خوش از خسرو جاوید لقا»

۵ در برخی تشبیه‌ها، مشبّه و مشبّه به یک کلمه نیستند؛ یعنی یک چیز به یک چیز دیگر تشبیه نشده است بلکه مجموعه یا ترکیبی از چند چیز به هم تشبیه می‌شوند. به زبان امروز، گاهی تشبیه تابلو و تصویری ذهنی است که چند چیز در به وجود آوردن آن نقش دارند.

مثال ۱ «شقایق بریکی پای ایستاده»
مشبّه
چو برشاخ زمرد جام باده»
ادوات تشبیه / مشبّه به

● در این مثال، گل سرخ شقایق که بر روی ساقه سبز رنگ خود قرار دارد، به جام شرابی که بر روی شاخه‌ای از زمرد قرار دارد، تشبیه شده است.

مثال ۲ «و آن قطره باران که برافتد به گل سرخ»
مشبّه
چون اشک عروسی است برافتاده به رخسار»
ادوات تشبیه / مشبّه به

● در این مثال، تصویرافتادن قطره باران بر روی گل سرخ، به افتادن اشک عروس بر رخسار او تشبیه شده است. به این‌گونه تشبیه‌ها، تشبیه مرگب گفته می‌شود. در تشبیه مرگب، شاعر با ترکیب مشبّه‌ها از یک طرف و ترکیب مشبّه به‌ها از طرف دیگر، تابلوی زیبایی از کل یک تشبیه زیبا را در برابر چشمان ما قرار می‌دهد.

تشبیه بلیغ (فشرده)

تشبیهی است که فقط دو رکن اصلی یعنی «مشبّه» و «مشبّه به» را دارد. به بیان دیگر اگر در یک تشبیه، «وجه شبه» و «ادوات تشبیه» حذف شوند، تشبیه بلیغ (فشرده) شکل می‌گیرد. با حذف این دو رکن (وجه شبه و ادوات تشبیه)، تشبیه زیباتر و کلام ادبی‌تر می‌شود.

● انواع تشبیه بلیغ (فشرده):

۱. تشبیه بلیغ اسنادی (غیراضافی)

۲. تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی)

نگو که می‌دونستی!

ایستگاه سؤال

۱. در تشبیه به کار رفته در سرودهٔ زیر، «مشبه» و «مشبه‌به» را مشخص کنید.

دی ۱۴۰۲

«آن خداوند و سوار رخس بی‌مانند / آن‌که هرگز - چون کلید گنج مروارید - گم نمی‌شد از لبش لبخند»

دی ۱۴۰۲ خارج

۲. آرایهٔ گروه اسمی مشخص شده را در بیت زیر بنویسید. چون فرو آیی به وادی طلب

پیش از آن هر زمانی صد تعب

۳. در سرودهٔ زیر، «مشبه» و «مشبه‌به» را مشخص کنید.

«بخند؛ زیرا خندهٔ تو برای دستان من، شمشیری است آخته.»

خرداد ۱۴۰۲

۴. در تشبیه موجود در بیت زیر، «مشبه» کدام است؟

«بر کن ز بُن این بنا که باید

از ریشه بنای ظلم برکنند»

خرداد ۱۴۰۲

۵. «مشبه‌به» را در عبارت زیر، مشخص کنید.

«و تو ای کشتی تندرو خیال من، همین جا لنگر انداز؛ زیرا برای تو بیش از این اجازهٔ سفر نیست.»

۶. کدام‌یک از واژگان مشخص شده در عبارت «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات

شهریور ۱۴۰۵

نبات در مهد زمین پیروند»، «مشبه‌به» است؟

شهریور ۱۴۰۵

۷. در بند زیر از خوان هشتم، «مشبه‌به» را معلوم کنید.

«چاه چونان ژرفی و پهنای، بی‌شرمیش نابور / و غم‌انگیز و شگفت آور...»

خرداد ۹۸ خارج

۸. در بیت زیر، چند «تشبیه» به‌کار رفته است؟

«دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

تا کیمیای عشق بیابای و زر شوی»

پاسخ سؤال

۱. مشبه: لبخند مشبه‌به: کلید گنج مروارید

۲. تشبیه

۳. مشبه: خندهٔ تو مشبه‌به: شمشیری آخته

۴. ظلم

۵. کشتی تندرو

۶. فراش

۷. مشبه: بی‌شرمی چاه مشبه‌به: ژرفی و پهنای چاه

۸. چهار تشبیه: ۱ مس وجود ۲ چو مردان ره ۳ کیمیای عشق

۴ زر شوی

در «اضافهٔ تشبیهی»، گاهی ممکن است بین «مشبه و مشبه‌به» وابسته‌ای (صفت / مضاف‌الیه) بیاید. دقت داشته باشید که وجود این‌گونه وابسته‌ها، ارتباط میان «مشبه و مشبه‌به» را قطع نمی‌کند.

مثال «هرگاه مشت خونین و بی‌تاب قلبم را در زیر وابسته اضافهٔ تشبیهی باران‌های غیبی سکوتش می‌گیرم، ناله‌های گریه‌آلود آن روح وابسته اضافهٔ تشبیهی دردمند و تنها را می‌شنوم.»

فهرست اضافه‌های تشبیهی در فارسی (۳)

دیوار مُلک	دفتر زمانه	باران رحمت
راه غربت	بنای ظلم	خوان نعمت
گلیم تیره‌بختی	خورشید جان	بردهٔ ناموس
دام خوان هشتم	خرمن عمر	وظیفهٔ روزی
دشت دل	آفتاب جمال	فراش باد صبا
گل روی	آیینۀ نگاه	دایهٔ ابر بهاری
وادی طلب	دیوار زندگی	بنات نبات
وادی عشق	دریای تصورات	مهد زمین
وادی معرفت	عقرب جزارهٔ دموکراسی	کلاه شکوفه
وادی استغنا	مار غاشیهٔ حکومت سرهنگ‌ها	قبای سبزورق
وادی توحید	تیغ جفا	اطفال شاخ
وادی حیرت	چراغ علم	دیوار اُمّت
وادی فقر و فنا	زندان شهر	کعبهٔ جلال
نی پیچ حلقوم	قندیل پروین	حلیهٔ جمال
گورستان شکم	گل‌های خیال	بحر مکاشفت
کشتی خیال	گل دستهٔ سرو	مُلک آشنایی
صفحهٔ ضمیر	درخت بیداد	مس وجود
داغ عشق	کوچهٔ غم و درد	کیمیای عشق
راه فکر	دادگاه عشق	نور عشق
راه امید	کوه آتش	ادیب عشق